

مهدی جواهری

دهه های متمادی است که واژه تروریسم و تروریست در اخبار روزانه شنیده می شود و هر روز شاهد اعمال خشونت آمیز در گوشه و کنار جهان هستیم و در این گیر و دارها، طبیعتاً تعدادی از افراد، بی گناه یا با گناه، قربانی می شوند. مسأله ای که بیشتر مواقع مورد بحث و اعتراض هر یک از طرفین، یعنی مجری عمل تروریستی از یک طرف و قربانی عمل تروریستی از طرف دیگر می باشد، اینست که کاربران این عمل آن را حرکت آزادی بخش و یا جرم سیاسی قلمداد می کنند، در حالی که قربانیان، آن را عملی جنایتکارانه می نامند.

در جریان جنگ دوم جهانی، صرب ها علیه اشغال کشورشان توسط نازی ها، به سربازان این کشور حمله می کردند و به اصطلاح به جنگ های پارتیزانی متوسل می شدند. در الجزایر که مبارزین علیه نیروهای فرانسوی دست به حملاتی می زدند، مقامات فرانسوی آنان را خرابکار، ولی افراد الجزایری خود را جنگجوی آزادیبخش یا «چریک» می نامیدند. در مورد قضیه فلسطین نیز چنین ادعایی از سوی طرفین مطرح می شود و البته موارد مشابه این طرز تلقی در گوشه و کنار جهان فراوان دیده می شود.

پدیده جنگ های نامنظم که امروزه جنگ های آزادیبخش یا مبارزات چریکی و یا تروریسم نامیده می شود، پیشینه ای بس طولانی در تاریخ بشر دارد، زیرا هنگامی که یک طرف دعوا، در رویارویی با حریفی قویتر، خود را ضعیف می بیند، به این قبیل روش ها متوسل می شود تا بدین وسیله از طرف مقابل انتقام بگیرد و یا او را وادار به قبول خواسته های خود کند.

با پیشرفت تکنولوژی و پیچیده تر شدن روش های حکومتی، طبیعتاً اینگونه اعمال نیز به صورت پیچیده تر و سازمان یافته تری به مورد اجرا گذاشته می شود، تا جایی که این افراد برای پیشبرد مقاصدشان از انواع روش های علمی مثل ساختن مواد منفجره، و یا تأمین منابع مالی و حتی آموزش و تربیت افراد خود استفاده می کنند. این اعمال هر چند مورد تنفر بیشتر مردم است

بازشناسی پدیده تروریسم

آیا می توان گفت که تروریسم یک جرم سیاسی است؟ تعریفی که از تروریسم شده و نسبتاً مورد قبول محافل آکادمیک می باشد، اینست که «هر عمل خشونت آمیزی که در آن رابطه ای بین هدف و قربانی نباشد یک عمل تروریستی است.»





وی داد. در صورتی که در موارد مشابهی که بعدها اتفاق افتاد، عمل هواپیما ربایی یک عمل تروریستی محسوب شده است.^(۱)

در موردی دیگر، یکی از اتباع فرانسه به نام «مونی پر» که گرایش های آنارشیستی داشت، در مارس ۱۸۹۲ دست به دو انفجار زد، یکی در کافه «وری» که منجر به قتل دو نفر شد و انفجار دیگر در پادگانی نظامی در شهر پاریس. این دو حادثه به تلافی اعدام یکی از آنارشیست ها بنام «راویشل» صورت گرفت. مونی پر پس از ارتکاب به این جرم به انگلستان گریخت. یک دادگاه در فرانسه او را غیاباً محاکمه و به اتهام ارتکاب قتل، به اعدام محکوم کرد. و به دنبال آن، دولت فرانسه رسماً از دولت انگلیس استرداد وی را درخواست کرد. مونی پر در آوریل ۱۸۹۴ در ایستگاه ویکتوریا در لندن دستگیر شد. او نسبت به دستگیری و اخراجش از انگلیس اعتراض کرد. وکیل او ادعا کرد که گرچه بمب گذاری و قتل مردم، عملی قابل سرزنش است، ولی بهر حال این اقدام جنبه سیاسی داشته است. وی همچنین مدعی بود که دلایل و شواهد در مورد ارتباط مونی پر با بمب گذاری ناکافی است.

مسئله: آیا عمل مونی پر در پاریس را می توان یک جرم سیاسی تلقی نمود؟

تصمیم دادگاه: دادگاه ادعای او را مبنی بر اینکه عمل او اساساً یک جرم سیاسی است، نپذیرفت و ادامه بازداشت او را تأیید کرد تا موجبات تسلیم او به مأموران فرانسه فراهم گردد.

دلایل دادگاه: حمله به یک کافه و پادگانی نظامی مبنایی برای جرم سیاسی محسوب نمی شود، زیرا در این مورد پای دو حزب در میان نیست که برای مثال، یکی از آنها بخواهد قدرت را در فرانسه به دست گیرد و مجبور باشد با دیگری مبارزه کند. گروهی که مونی پر به آن تعلق داشت، گروهی بود که دشمن تمام حکومت ها در جهان بود و

ولی در عین حال طرفدارانی نیز دارد و آن را مبارزه ای حق طلبانه می نامند و از این طریق شقاوت و بی رحمی آن را توجیه می کنند. حال این سوال مطرح است که آیا انفجار یک هواپیما در آسمان و یا کشتار کودکان در یک مدرسه و یا کشتن یک مقام مملکتی، یک عمل تروریستی است یا یک حرکت آزادیخواهانه و به عبارتی دیگر جرم سیاسی است؟

مجریان و طرفداران اینگونه اعمال، به مصداق فلسفه ماکیاول، هدف را توجیه کننده وسیله می دانند و خود را مبارز سیاسی و یا مجرم سیاسی، و انتظار دارند برخوردی متفاوت از سایر مجرمین با آنان شود.

مسئله مهم و کلیدی در این مورد اینست که ما هنوز تعریفی حقوقی و جامع از تروریسم در دست نداریم تا بر اساس آن بتوانیم مرز بین یک حرکت تروریستی و یک حرکت آزادیخواهانه و به عبارت دیگر، جرم سیاسی، را متمایز کنیم. اگر بخواهیم به آراء محاکم قضایی و رویه های قضایی مراجعه کنیم تا تفاوت یک عمل تروریستی را با یک مبارزه آزادیبخش دریابیم، روش نسبتاً درستی برگزیده ایم. ولی متأسفانه چون مواردی هم وجود داشته و دارد که محاکم قضایی تحت تأثیر حکومت ها و شرایط سیاسی قرار گرفته اند، در نتیجه استناد به آراء اینگونه محاکم قضایی هم خالی از اشکال نیست. در اینجا به بررسی چند مورد که عملاً اتفاق افتاده، می پردازیم و آراء صادره از دادگاه ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

در سال ۱۹۵۶ یکی از اتباع مجارستان به نام «کاو» یکی از هواپیماهای خطوط هواپیمایی این کشور را وادار کرد تا در فرودگاهی در سوئیس فرود آید. دادگاه کشور سوئیس رأی بر این داد که چون این فرد بخاطر فرار از سیستم کمونیستی دست به این اقدام زده است، لذا این اقدام یک حرکت تروریستی محسوب نمی شود و در نتیجه رأی بر بی گناهی

است.

آیا ماهیت عمل کاستیونی سیاسی بوده است ؟

رأی دادگاه : دادگاه به نفع کاستیونی رأی داد و به این ترتیب استرداد او به سوئیس منتفی شد.

دلایل دادگاه : دادگاه بر این باور بود که عمل کاستیونی ربطی به مسائل شخصی نداشته، بلکه ضمن حمله به کاخ شهرداری به آقای راسی تیراندازی کرده است، و این عمل با شورش که هدف آن حکومت ایالتی بوده ارتباط داشته است. و این شورش بخشی از یک مبارزه بین دو گروه بوده، یکی که تلاش در حفظ خود داشته، و دیگری که برای به دست آوردن آن تلاش می کرده است. بر اساس این دلایل، کاستیونی (کسی که نه آقای راسی را می شناخته و نه احساس شخصی علیه او داشته) بخاطر شدت بخشیدن به این شورش سیاسی، اقدام به تیراندازی به آقای راسی کرده است و لذا عمل او یک جرم سیاسی محسوب می شود و نباید بخاطر آن به مقامات سوئیس تحویل داده شود.^(۳)

با استناد به این توضیحات می توان جرم سیاسی را چنین تعریف کرد: «عملی که گرچه در نوع خود یک جرم معمولی است، ولی منجر به یک حرکت عمده سیاسی می شود. این حرکت بخاطر شرایط و انگیزه هایی است که تحت تأثیر آن، صورت می گیرد.»^(۴)

در نیمه اول قرن بیستم در نتیجه شکاف های ایدئولوژیک بین انسان ها، و

پیدایش دیکتاتوری های محافظه کار و رادیکال، شاهد توسعه مفهوم جرم سیاسی بوده ایم. با پیدایی جنگ سرد، باز هم مفهوم جرم سیاسی تحول بیشتری یافت. در سال ۱۹۵۲ دادگاهی در سوئیس حکم به این داد که سه نفر از اتباع یوگسلاوی (سابق) که هواپیمایی را از مقصد اصلی اش منحرف کرده و به سوئیس برده بودند، جرم شان از نوع جرم سیاسی بوده و لذا نمی بایستی به کشورشان مسترد شوند. حکم مشابهی نیز در دادگاهی در بریتانیا، در سال ۱۹۵۴ صادر شد که در رابطه با هفت نفر از کارکنان یک کشتی لهستانی بود. در این ماجرا، کاپیتان کشتی و سایر کارکنان آن، یک افسر لهستانی مستقر در کشتی را مجروح کرده و کشتی را به بندری در بریتانیا برده بودند. دادگاه بریتانیایی رأی بر بی گناهی کارکنان کشتی لهستانی داد و بر مبنای رأی مذکور، آنها حتی مشمول اعطای پناهندگی سیاسی شدند.

بنابراین می توان چنین استنباط کرد که جرم سیاسی عملی است که باید هدف و انگیزه سیاسی داشته باشد، اگرچه به نحو جنایتکارانه ای اجراء شده باشد.

خواهان سرنگونی همه آنها، نه فقط کنترل آنها. آنارشیست ها هر چند دشمن حکومت ها هستند، ولی کوشش آنها ابتداء متوجه شهروندان است و بعداً ممکن است جرائمی علیه حکومت ها مرتکب شوند. لذا بر اساس قوانین مربوط به استرداد مجرمین بریتانیا، اقدامات آقای مونی پر را نمی توان جرم سیاسی تلقی نمود. بالاخره پس از استرداد مونی پر به فرانسه، حکم اعدام که غیباً در مورد او صادر شده بود، به مورد اجراء گذاشته شد.

دادگاه در تفسیر خود معتقد بود که برای اینکه عملی سیاسی قلمداد شود باید دارای شرایط زیر باشد ۱- باید عمل آشکاری باشد. ۲- باید در حمایت از یک حرکت سیاسی انجام شده باشد. ۳- حرکت باید در ارتباط با منازعه و مبارزه بین دو گروه یا دو حزب باشد که یکی از آنها مدعی کنترل دولت باشد.^(۵)

در این رابطه به ماجرائی اشاره می کنیم که در سوئیس اتفاق افتاد. آنجلو کاستیونی، تبعه سوئیس، در ۱۱ سپتامبر ۱۸۹۰ در یک ناآرامی در کانتون (ایالت) تیسینو مشارکت کرده بود. این شورش نتیجه امتناع حکومت کانتون از بازنگری قانون اساسی و عدم اجراء همه پرسی در باره آن بود. عده زیادی از شهروندان از جمله کاستیونی، زرادخانه شهر «بالین زونا» را تصرف و پلیس را خلع سلاح کردند و افرادی را که به نحوی با ادارات کانتون همکاری داشتند، ربوده و آنان را وادار کردند تا در پیشاپیش توده مردم مسلح به طرف ساختمان شهرداری رژه بروند. تعدادی از مقامات

حکومتی از جمله «ام. راسی» شهردار شهر، از ورود به ساختمان شهرداری ممنوع شدند. کاستیونی در حالی که مسلح به تفنگ رولور بود در میان اولین دسته از جمعیت، وارد ساختمان شهرداری شد، در این گیر و دار، «راسی» مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کمی بعد درگذشت. شاهدان عینی کاستیونی را به عنوان ضارب شناسایی کردند.

جمعیت انبوه، سرانجام کاخ شهرداری را تصرف کرده و حکومت موقتی را تشکیل دادند و مدت کوتاهی نیز به انجام وظیفه مشغول بودند تا اینکه پس از ورود نیروهای مسلح حکومت فدرال، حکومت موقت از هم پاشیده شد. کاستیونی به بریتانیا گریخت، یعنی به همان کشوری که به مدت هفت سال در آن زندگی کرده بود. او فقط یک روز قبل از شورش به کانتون تیسینو مراجعه کرده بود.

دولت سوئیس رسماً دستگیری و استرداد کاستیونی را به اتهام قتل عمد از بریتانیا درخواست کرد. پس از دستگیری وی، نماینده قانونی درخواست رسیدگی به اتهام کاستیونی و آزادی وی را کرد. ادعای او این بود که کاستیونی فقط مرتکب یک جرم سیاسی شده

هنوز مراجع بین المللی و دولت ها به یک مرزبندی مشخص بین تروریسم و اقدامات آزادیخواهانه نرسیده اند، زیرا دولت ها بنا به مصالح و منافعشان درگیر با این پدیده هستند و حتی کشورهای غربی هم که خود داعیه مبارزه با تروریسم را دارند به انحاء مختلف در این قضیه سهیم اند.

که در آن رابطه ای بین هدف و قربانی نباشد یک عمل تروریستی است. « اگر به این تعریف از تروریسم استناد کنیم، آنگاه بیشتر اعمال خشونت آمیزی که در جهان اتفاق می افتد را نمی توان جرم سیاسی تلقی نمود. مثلاً فردی که در یک بازار یا خیابان پررفت و آمد بمبی را منفجر می کند و تعدادی انسان را قربانی می کند مرتکب یک عمل تروریستی شده است، زیرا قربانیان ارتباطی با هدف فرد بمب گذار ندارند. با وجود این توضیحات، هنوز مراجع بین المللی و دولت ها به یک مرزبندی مشخص بین تروریسم و اقدامات آزادیخواهانه نرسیده اند، زیرا دولت ها بنا به مصالح و منافعشان درگیر با این پدیده هستند و حتی کشورهای غربی هم که خود داعیه مبارزه با تروریسم را دارند به انحاء مختلف در این قضیه سهیم اند.

بر اساس پیش نویس کنوانسیون دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۳۵، که بازتابی از شرایط جهانی آن زمان بود، جرم سیاسی واقعی در سه مقوله محدود می شود: خیانت (Treason)، فتنه (Sedition) و جاسوسی^۴ (spionage)

تعریف جرم سیاسی، به لحاظ ماهیت ذهنی آن و جو سیاسی حاکم بر طرف های ذریبط، و ارزش های جامعه بین المللی در یک مقطع زمانی خاص، بسیار مشکل است و لذا هر مورد باید بدون داشتن معیارهای عینی قضاوت، مستقلاً ملاحظه و مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً در قضیه «کاو» (آن تبعه مجارستانی که قبلاً درباره اش توضیح داده شد)، دادگاه سوئیس رأی داد که گرچه هواپیمارمایی و به مخاطره انداختن جان مسافران و خدمه، عمل جنایی محسوب می شود، ولی چون با هدف فرار از یک کشور کمونیستی و رسیدن به آزادی بوده، بنابراین جرم بطور نسبی سیاسی تلقی می شود. و یا در قضیه «کی تر»، دادگاهی در سوئیس رأی داد که قتل، در صورتی که برای رسیدن به یک هدف عالی و دست یافتن به یک مقصود سیاسی طراحی شده باشد، جرمی سیاسی است. بنابراین، بطور کلی، جرم سیاسی جرمی است که انگیزه و هدف سیاسی داشته باشد.^(۵)

با توجه به این توضیحات، آیا می توان گفت که تروریسم یک جرم سیاسی است؟ تعریفی که از تروریسم شده و نسبتاً مورد قبول محافل آکادمیک می باشد اینست که «هر عمل خشونت آمیزی

پاورقی ها:

- ۱- Law Among Nations. Gerhard Von Glan, McMillan Publishing co. Inc, NewYork, 1976
Law among Nations؛ ص ۲۶۸
- ۲- Law among Nations؛ ص ۲۷۰
Law among Nations؛ ص ۲۷۲
- ۳- فرهنگ حقوق بین الملل؛ نوشته رابرت بلدسو و موسلاویوسچک. ترجمه علیرضا پارسا. انتشارات قومس؛ تهران؛ ۱۳۷۵.
- ۴- Law among Nations ص ۲۷۴ و فرهنگ حقوق بین الملل ص ۱۴۷؛
- ۵- ص ۱۴۸؛ فرهنگ حقوق بین الملل

منابع:

Pain Relief

Chiropractic Clinics

دکتر همایون مهاجر دکتر پریسا مهاجر

دارای برد تخصصی در کایروپراکتیک
عضو انجمن کایروپراکتیک آمریکا و ایالت تگزاس

صدمات ناشی از کار و تصادفات

- ➔ زمین خوردگی
- ➔ درمان دردهای گردن، کمر و دست و پا
- ➔ صدمات ناشی از ورزش

- ← درمان ناراحتی های مفصلی، عضلانی و عصبی
- ← دیسک گردن و کمر و کمر دردهای بعد از زایمان
- ← سر دردهای مزمن و میگرن

6223 Richmond Ave, Ste. 105
Houston, TX 77057

150 West Parker Rd., Ste. 602
Houston, Texas 77076

713-784-8189 **713-699-8887**

دکتر مهناز مسکوب

MAHNAZ MESSKOUB
D.D.S, M.S.

متخصص درمان ریشه دندان

*Root Canal
Therapy*

9400 Westheimer
Suite #1
Houston, Texas 77063

با تعیین وقت قبلی

713-932-7730